

## همکاری استراتژیک با اسرائیل اصلا ایده محبوبی در جوامع غربی نیست

### آمریکا؛

### آیا ما ایران را از دست داده‌ایم؟



ترجمه: علی کلیاف

می‌گویند که بازداشت روزنامه‌نگار ایرانی - آمریکایی، رکسانا صابری و صحبت رهبر ایران مبنی بر اینکه آمریکا در ایران ایجاد «شورش و تروریسم» می‌کند نشان می‌دهد که برقراری ارتباط با تهران ممکن نیست.

اما موضوعات اصلی جواب ندادن گرم رهبران ایران نسبت به پیام آشتی‌گرایانه، رئیس‌جمهور را تحت تاثیر قرار می‌دهد این است که دولت او با هیچ کاری در زمینه‌ی از بین بردن یا پاک کردن دلیل اصلی و مخفی برنامه‌ی زمان ریاست جمهوری آقای بوش که صدها میلیون دلار برای کم‌قدرت کردن دولت جمهوری اسلامی خرج می‌کرد انجام نداده است. با این شرایط دولت ایران (جدا از این مورد که چه کسی در انتخابات ۲۲ خرداد پیروز شود) احتمال می‌دهد که نقشه‌های آمریکا در برابر دولت جمهوری اسلامی در نهایت غیردوستانه خواهد بود.

در این حالت موضع جناحی نباید به عنوان کار «تندروها» در تهران برای خراب کردن روابط در حال پیشرفت تهران و واشنگتن تلقی شود، بلکه باید به عنوان قسمتی از فعالیت در باطن دفاعی اما با اشتباه راهنمایی شده مسوولان ایرانی نسبت به فعالیت‌های دولت آمریکا برای عوض کردن دولت منظور گردد.

در همین زمینه گفته‌های رهبر ایران که «پول، سلاح و ارگان‌های مختلف در مرز غربی ایران به وسیله‌ی آمریکا مستقیماً بر علیه کشور ما استفاده می‌شود» نقشه‌های آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است. آقای اوپاما به دنبال روابط آشتی‌گرایانه برای ایجاد شرایط خوب ایرانی - آمریکایی و یک برنامه همکاری برای حل کردن مشکلات دوطرفه و تغییر ریشه‌ای روابط می‌گردد.

به صورت کلی‌تر، آقای اوپاما تصمیمات سیاسی و پرسنلی زیادی گرفته است که صحبت‌های او را در زمینه‌ی تحت تاثیر قرار دادن ایران کم‌رنگ می‌کند. در بخش پرسنلی مشکل از بالا و از سوی وزیر امور خارجه (هیلاری کلینتون) شروع می‌شود. او به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری و بعد از آن به عنوان سناتور کلینتون، برخلاف اظهارات اوپاما صحبت نموده و حتی عنوان کرده است که در صورت حمله ایران به اسرائیل این کشور را «به زعم خود» به طور کامل از بین می‌برد. بعد از انتصاب به عنوان وزیر امور خارجه، به متحدان آمریکا در اروپا و خاورمیانه گفت که در مورد نتیجه دادن مذاکره و دیپلماسی با ایران مشکوک است و به کنگره اعلام کرد که مذاکرات تنها برای گرفتن پشتیبانی به منظور اعلام تحریم‌های «فلج‌کننده» چندجانبه علیه ایران موثر هستند.

اول از همه، این رفتار کاملاً بی‌نتیجه است، به این خاطر که کلینتون پشتیبانی همه‌جانبه بین‌المللی برای تحریم‌ها ندارد و این کارها به هیچ عنوان فلج‌کننده نیستند. این رفتار به طرز غیرقابل‌تصور نتیجه‌ی عکس خواهد داشت، این کار نظرات رهبران جمهوری اسلامی ایران را راجع به تلاش دیپلمات‌های آمریکایی

خاورمیانه بهتر کند. در پیام تبریک او به مردم و رهبران جمهوری اسلامی ایران، برای سال نو در ماه مارس، آقای اوپاما با استفاده از زبان خاص خود سعی کرد ایران را در این مورد که آمریکا علاقه‌ای برای به زیر کشیدن دولت ایران ندارد متقاعد کند و ایجاد دیپلماسی جدید در برابر این دولت از استراتژی‌های آمریکاست.

▼ سیاست‌های اوپاما در حال حاضر - از همه جهات - شکست خورده است. در موقعیت فعلی تلاش‌های کاخ سفید نمی‌تواند فعالیت غنی‌سازی تهران را متوقف کند و تست موفق موشک میان‌برد ایران در هفته گذشته گزینه دست کم گرفتن نیروی نظامی این کشور را از هر جهت رد می‌کند. همچنین این موضوعات تغییری در مشکل



دیپلمات‌های ایرانی گفته‌اند که علاقه‌ی رئیس‌جمهور آمریکا برای همکاری با ایران در راه «به دست آوردن سود عمومی» و در جو «احترام متقابل» کاملاً در تهران درک شده است. آنها می‌گویند که بازتاب سریع رهبر بزرگ ملت «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» با جمله‌ی جدید «اگر شما تغییر کنید ما نیز تغییر خواهیم کرد» علامت صریح باز بودن راه ایران برای مذاکرات دیپلماسی با دولت جدید آمریکا را نشان می‌دهد. متأسفانه آقای اوپاما از برداشتن قدم‌های جدی که برای رسیدن به روابطی مثل روابط نیکسون و چین برای تهران لازم است سر باز می‌زند.

مدیران مسوول حس می‌کنند که رهبران ایران به ادبیات آشتی‌گرایانه‌ی اوپاما پاسخ گرمی ندادند. بسیاری

بین ایران و آمریکا ایجاد نمی‌کند، موضوعاتی که در ۳۰ سال اخیر ضربه‌های بسیار به اهداف آمریکا و متحدانش در خاورمیانه زده است.

قضایات در این مورد می‌تواند بسیار غیرعقلانه و تند تلقی شود. ملت آمریکا در سال ۲۰۰۸ به باراک اوپاما رای داد و همچنان می‌خواهد که او در برگرداندن نقش استراتژیک و در حال افول آمریکا موفق شود. همچنین اعتقاد بر این است که دیپلماسی موفق در مقابل ایران بسیار ضروری است. در صورتی که اوپاما و تیم امنیتی او، راه جدیدی را در مقابل تهران پیش نگیرند موفقیت جدیدی به دست نخواهد آمد.

این موضوع واقعا خجالت‌آور است چون اوپاما پتانسیل این موضوع را دارد که وضعیت آمریکا را در

برای برقراری رابطه‌ی دوستانه تغییر خواهد داد.

موضوع اذیت‌کننده‌ی دیگر علاقه‌ی آقای اوباما به قرار دادن دنیس راس به طور جدا برای روابط ایران است. آقای راس برای مدت بسیار زیادی رابط ارتباط موسوم به «رابطه با فشار» ایران بود تا موفقیت بیشتری برای به دست آوردن پشتیبانی منطقه‌ای و بین‌المللی برای فشار اقتصادی به جمهوری اسلامی به دست بیاورد.

در صحبت‌های با راس قبل از انتخاب اوباما، از او پرسیده شد که آیا واقعا اعتقاد دارد سیاست «رابطه با فشار» صلح با ایران را به همراه خواهد داشت؟ او صادقانه اطلاع داد که این موضوع کاملا برعکس است! پس چرا او از دیپلماسی که به عقیده خود او موفق نمی‌شود استفاده می‌کند؟ چون - به گفته‌ی راس - اگر ایران به برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد، در سال‌های آینده رییس جمهور بعد از بوش مجبور خواهد بود دستور حمله‌ی نظامی به مراکز هسته‌ای ایران را صادر کند. مسلما با دیپلماسی لازم خواهد بود که رییس جمهور ثابت کند حمله‌ی نظامی گزینه‌ای اجباری (و غیرممکن) بوده است!

مسئولین ایرانی کاملا از طرز فکر راس آگاه هستند و به صورت فزاینده‌ای شک دارند که دولت آقای اوباما به گفته‌ی یک دیپلمات مهم ایرانی «تنها ارایه پیشنهادهایی غیرقابل قبول» برای ایران است تا بتواند پشتیبانی بین‌المللی بیشتری برای فعالیت‌های تهدیدآمیز به دست بیاورد.

هنوز به صورت قابل قبولی تیم امنیت ملی اوباما عقیده‌ی او را راجع به مذاکرات جدید با ایران ابراز نمی‌کند و سیاست‌های کلی آمریکا مهیم مانده است. مثلا با اینکه تیم دولت بازنگری جدید و مخالف‌تری را نسبت به سیاست‌های ایران تکمیل کرده است، هیچ گونه تغییری در حرکت آنها نسبت به موضوع اتمی ایران ایجاد نشده است. مسئولین مدیریتی ابراز ناراضیاتی کرده‌اند که با

این حرکت رهبران ایران تحت تاثیر قرار می‌گیرند، چون نمایندگان آمریکایی برای هر مذاکره اتمی که امکان دارد با ایران شکل بگیرد حاضر خواهند شد.

به صورت مشابهی، تعدادی از مسوولین پیشنهاد کرده‌اند که دولت شاید خود را برای پذیرش مقدار محدودی از غنی‌سازی اورانیوم در ایران - به عنوان بخشی از قرارداد - آماده کند تا پذیرش یک واقعیت انجام شده را به طور جدی اعلام نماید. بنا به تجربه آمریکا در زمینه‌ی مذاکرات با ایران و مذاکرات مکرر آنها با دیپلمات‌های ایرانی از زمان ترک دولت، آنها فکر می‌کنند این کار تاثیر بیشتری روی تهران خواهد داشت تا جدیت آمریکا را برای از سرگیری روابط بپذیرد.

به طور قطع اگر واشنگتن اصرار اسرائیل را برای گذاشتن زمانی خاص برای برقراری روابط موفق با ایران قبول کند تهران نسبت به جدیت آمریکا قانع نخواهد شد. اگر چه سخنگوی کاخ سفید ابراربت گیبس، به خبرنگاران گفته است که چنین زمانی گذاشته نخواهد شد، اوباما بعد از ملاقاتش با بنیامین نتانیاهو گفته است که می‌خواهد برنامه‌ای در حال پیشرفت از مذاکرات هسته‌ای را قبل از پایان سال ببینند. همچنین او از تشکیل یک گروه سطح بالای آمریکایی - اسرائیلی خبر داد تا در صورت قبول نکردن شرایط آمریکا برای محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای توسط ایران گزینه‌های دیگر را بررسی کنند. به صورت دقیق‌تر کلینتون و راس، دیگر اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان را تحریک می‌کنند تا در صورتی که تهران محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود را تا زمانی که جلسه‌ی سازمان ملل در پایان سپتامبر در نیویورک برگزار می‌شود قبول نکنند تحریم‌های همه‌جانبه‌ی بیشتری علیه ایران انجام دهند.

این روش دیپلماتیک به طور قطع موفق نخواهد بود. داشتن محدودیت زمانی تنها کانالی برای کارهای تهدیدآمیزتر ایجاد خواهد کرد. تلاش اوباما برای قرار دادن محدودیت زمانی با در نظر گرفتن رفتار ایرانی غلط است. به طور مثال

در زمان صحبت‌ها راجع به افغانستان و حادثه ۱۱ سپتامبر، تهران صدها نفر از ماموران القاعده و طالبان را که به ایران به قصد پناهندگی فرار کرده بودند بازگرداند و برای راه‌اندازی دولت افغانستان کمک‌های بسیاری کرد، این واشنگتن بود که در آن زمان به صحبت‌های موثر پایان داد.

به غیر از موضوع هسته‌ای، تلاش ارتباطی دولت آمریکا با ایران گونه‌ی کمی تغییر یافته‌ی دولت بوش است یعنی محسوب

کردن ایران به عنوان یک تهدید و بدون در نظر گرفتن هیچ راه حلی برای مشکلات سیاسی. آنها هنوز در این دو دلی دوران بوش هستند که قدرت گرفتن تهدید ایران می‌تواند اسرائیل و کشورهای کوچک عربی را به عنوان متحدانش و تحت فرمان آمریکا علیه ایران بسیج کند.

اوباما و تیمش نباید برای درس گرفتن از تاریخ معاصر خاورمیانه بخشیده شوند. همکاری استراتژیک با اسرائیل اصلا ایده‌ی محبوبی در جوامع عربی نیست و حتی شیخ‌نشین‌های کوچک عربی نیز این گونه همکاری را انجام نخواهند داد. ایده‌ی کشورهای عربی و اسرائیل متحد بر علیه ایران نه تنها غلط است بلکه مشکلات فلسطینی، سوریه‌ای و لبنانی عرب - اسرائیلی را به حال خود خواهد گذاشت.

این موضوعات جز با همکاری آمریکا با ایران و متحدان منطقه‌ای او (حماس و حزب‌الله) حل نخواهد شد.

برای چه اوباما خود را در شرایطی قرار داده که بتواند نظرات مورد علاقه‌ی خود را در مورد بهتر کردن روابط با جمهوری اسلامی انجام دهد؟

تعدادی از دیپلمات‌هایی که با اوباما صحبت‌هایی انجام داده‌اند می‌گویند او گفته است وقتی به کاخ سفید می‌آمد، متوجه نشده بود که مشکل ایران چقدر سخت خواهد بود. اما چیزی که مشکل ایران را سخت‌تر می‌کند بیانیه‌های تند دوره‌ای از آقای احمدی‌نژاد یا اتفاقاتی نظیر بازداشت خانم صابری نیست. نکته‌ی واقعا سخت این است که درست اجرا کردن سیاست روابط ایران و آمریکا نیاز به رییس جمهوری دارد که موضع‌هایی گاه برخلاف علاقه‌ی متحدان و سیاستمداران آمریکا بگیرد.

**برای حل موضوع ایران، رییس جمهور نباید از ابزار زور برای عوض کردن مرزها یا تغییر دولت ایران صحبتی به میان آورد.** او همچنین باید قبول کند که ایران به غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد، و تنها راه حل سیاسی واقعی موضوع هسته‌ای، این است که ایران به مانند ژاپن به حال خود گذاشته شود.

همچنین رییس جمهور باید قبول کند ارتباط ایران، حماس و حزب‌الله ادامه می‌یابد و آنها باید با تهران همکاری کنند تا مشکلات خاورمیانه و دعوای سیاسی را به وسیله‌ی مذاکره با این گروه‌ها حل نمایند.

برای ریچارد نیکسون آسان نبود تا ۲۵ سال شکست سیاسی در مقابل جمهوری مردمی چین را از یادها بیرون بیاورد و توجه دوباره یکن نسبت به آمریکا را طوری جلب کند که مقاصد آمریکا توسط چین به مدت بیش از ۳۰ سال انجام شود. این کار به وسیله‌ی دید استراتژیک، دقت سیاسی و کار فردی انجام شد. **امیدواریم اوباما هم - با توجه به سوابقش - به زودی شروع به نشان دادن فعالیت‌های مشابهی در مورد ایران نماید.** ▲

منبع «نیویورک تایمز»

